

اجتماع اسباب

در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲*

□ محمدهادی صادقی^۱

چکیده

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با تجدیدنظر در ضوابط تشخیص عامل ضامن در اجتماع طولی اسباب به مبانی متغیری تمسک جسته است که ضمن مخالفت مواردی از آن با موازین شرعی و عقلی، با برخی مواد همین قانون نیز معارض است.

تأکید بر توجه به شاخص‌های متنوع برای احراز رابطه استناد مانند عمد و قصد اسباب، زمان تأثیر و نیز زمان حدوث آن‌ها، به اتخاذ ضوابطی منجر شده است که به موجب آن، گاه سبب مقدم در تأثیر و گاه سبب مؤخر در حدوث و در مواردی همه اسباب ضامن شناخته می‌شوند. این رویکرد که با فقدان درکی درست از طبیعت رابطه استناد همراه است، بسیاری از مفاهیم حقوق جزا، مانند شرکت، معاونت و نیز مفهوم عدوان را پیریشان ساخته است.

واژگان کلیدی: سبب، اجتماع طولی اسباب، رابطه استناد، عدوان.

مقدمه

ثبوت ضمان متوقف بر «اسناد» زیان به فعل ضامن است و مراد از آن احراز رابطه سببی میان فعل و نتیجه واقع شده است، به نحوی که بتوان صدمه یا خسارت را به اقدام عامل نسبت داد. تشخیص این ارتباط، وقتی فعل واحد موجب اضرار شده است (به ویژه با مساعدت از کارشناسان و متخصصان) معمولاً عاری از صعوبت است، لکن تعیین عامل ضامن در مواردی که عوامل متعدد، در وقوع نتیجه واحد، دخالت داشته‌اند، به دلیل پیچیدگی‌های موضوع، غالباً با تردید همراه می‌گردد.

ضرورت و اهمیت تشخیص پیوند میان ضرر و فعل مرتکب و نیز دشواری احراز آن، زمینه طرح نظریه‌های مختلف از سوی متفکران و به خصوص حقوق دانان را فراهم آورده است. به طوری که هر یک متأثر از مبانی خود، معیار خاصی را برای تشخیص رابطه استناد پیشنهاد کرده است.

نظریاتی که متضمن موازین احراز این رابطه است غالباً بر ضابطه‌ای که بتواند همه صورت‌های اجتماع عوامل را پوشش دهد، تأکید دارند و همین امر احساس بی‌عدالتی را در انطباق ضابطه با بسیاری از موارد برانگیخته، باور و اعتقاد نسبت به جامعیت و صحت نظریه‌های مطرح شده را متزلزل ساخته است.

این بی‌اعتمادی موجب شده است برخی تمسک به یک نظریه در همه دعاوی را مردود دانسته، بلکه در هر مورد، تکیه بر تئوری مقرون به عدالتی را که با شرایط خاص دعوی مناسبت دارد توصیه کنند. این پیشنهاد که به نوعی، صحت نسبی همه نظریات را ضمناً پذیرفته است، از ارائه معیار مشخصی که بتواند دادرس را در تشخیص ضابطه مناسب در هر دعوی یاری دهد، غفلت ورزیده است که این خود، صورتی از بی‌ضابطگی در مهم‌ترین رکن حل و فصل دعاوی و تعیین عامل ضامن است که البته به تشتت در رسیدگی‌های قضایی منجر می‌گردد.

ناکارآمدی نظریه‌های توجیه‌کننده رابطه استناد، بیشتر ناشی از اصرار آن‌ها بر جامعیت موازین پیشنهادی، در همه صورت‌های دخالت افراد در ایجاد نتیجه زیان‌بار است.

حقوق دانان اسلامی با استعانت از منابع روایی و دقتی درخور ستایش، با تفصیل دقیق

موارد، ضوابط حاکم بر اجتماع عرضی عوامل را از اجتماع طولی آنها متمایز دانسته‌اند. در اجتماع عرضی که فعل هر یک از مداخله‌کنندگان در حدوث زیان، هم‌زمان تأثیر داشته است، نتیجه به همه آنها اسناد داده می‌شود، هرچند مراتب دخالت عوامل متفاوت باشد و یا در انجام فعل خود، تقدم و تأخر داشته باشند. لکن اگر عوامل در طول یکدیگر واقع شوند، به طوری که تأثیر یکی مقدم بر تأثیر دیگری ظاهر شود، با توجه به چگونگی نقش هر یک، دخالت آنان در زیان را به دو صورت «اجتماع سبب و مباشر» و «اجتماع اسباب» منحصر دانسته‌اند.

قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ بر اساس قول مشهور فقیهان اسلامی، در ماده ۳۶۳ قانون مجازات اسلامی، در اجتماع سبب و مباشر، نتیجه را به مباشر مستند دانسته است، مگر آنکه علیت فعل وی، ناشی از اقدام سبب باشد که در این صورت سبب اقوی از مباشر قلمداد شده، همان ضامن است.

در صورت اجتماع طولی اسباب متعدد، قانون‌گذار نظریه ضامن سبب مقدم در تأثیر را که مشهورترین و موجه‌ترین تئوری نزد فقیهان اسلامی است پذیرفته و در ماده ۳۶۴ آن قانون بر آن تصریح کرده است.

قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ با تجدیدنظر نسبت به موازین مذکور، ضوابط نوینی جعل کرده است که دگرگونی گسترده قواعد احراز رابطه استناد را موجب شده است.

تحریر موضوع

تشخیص سببیت عامل ضامن در اجتماع طولی اسباب متعدد، غالباً توأم با دشواری و همراه با اختلاف نظر است. مراد از اجتماع طولی اسباب، عدم تأثیر هم‌زمان فعل عواملی است که به طور غیر مستقیم در حدوث نتیجه نقش داشته‌اند.

سبب عاملی است که بر خلاف مباشر، زیان، به نفس فعل وی نسبت داده نمی‌شود و اگرچه علیت علت متوقف بر وجود آن است، خود آن مستقیماً در نتیجه دخالت ندارد. به عبارت دیگر، سبب عامل مؤثری است که از وجودش، وجود معلول لازم نمی‌آید، اما از عدمش، عدم معلول لازم می‌آید. یعنی هرچند خود آن، علت زیان قلمداد نشده، تلف از آن ناشی نمی‌شود، لکن بدون وجود آن نیز نتیجه‌ای

حاصل نمی‌گردد.^۱

بنابراین وجود اسباب - هرچند به تعداد بسیار - به تلف منجر نمی‌گردد، زیرا حصول زیان نیز مانند هر پدیده مادی دیگر، بدون وجود علت (مباشر) غیر ممکن است. سبب اگرچه بر خلاف شرط در حدوث نتیجه مؤثر است، نقش علی نداشته و بدون وجود مباشر، فاقد نقش سببی در صدمه و خسارت خواهد بود. از این رو وقتی سخن از اجتماع اسباب به میان می‌آید، منظور از آن وجود چند سبب عدوانی است که با مباحثی که به دلیل ضعف، کنار گذاشته شده اجتماع کرده و در حدوث نتیجه مؤثر واقع شده‌اند. در این صورت برای احراز اسناد نتیجه به عوامل دور و نزدیکی که بر نحو سببیت در صدمه یا خسارت دخالت داشته‌اند تئوری‌های متغیری مطرح شده است. قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ در ماده ۳۶۴ نظریه سبب مقدم در تأثیر را به این شرح برگزیده است:

هر گاه دو نفر عدواناً در وقوع جنایتی به نحو سبب دخالت داشته باشند کسی که تأثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تأثیر سبب دیگری باشد ضامن خواهد بود مانند آنکه یکی از آن دو نفر چاهی حفر نماید و دیگری سنگی را در کنار آن قرار دهد و عابر به سبب برخورد با سنگ به چاه افتد. کسی که سنگ را گذارده ضامن است و چیزی به عهده حفرکننده نیست و اگر عمل یکی از آن دو عدوانی و دیگر غیر عدوانی باشد فقط شخص متعدی ضامن خواهد بود.

قانون مجازات اسلامی ۹۲ در رویکرد جدید خود با توسل به مبانی متغیر و موازین متفاوت برای تشخیص عامل ضامن در اجتماع اسباب، ضوابطی را مطرح کرده است که غالباً فاقد سابقه و مبنای موجه است.

این قانون بر خلاف فرض اجتماع سبب و مباشر (که در آن ظاهراً تعیین ضابطه را موکول به استنباط دادرس از تفاهم عرفی کرده است) در اجتماع اسباب، بدواً تقدم تأثیر سبب را ضابطه در احراز رابطه استناد دانسته است، لکن با طرح قیود و استثنا در بسیاری موارد از این قاعده عدول کرده است.

۱. قانون‌گذار در ماده ۳۱۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ در تعریف سبب آورده است: «تسبیب در جنایت آن است که انسان سبب تلف شدن یا جنایت علیه دیگری را فراهم کند و خود مستقیماً مرتکب جنایت نشود به طوری که اگر نبود جنایت حاصل نمی‌شد. مانند آنکه چاهی بکند و کسی در آن بیفتد و آسیب ببیند».

ماده ۵۰۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز با اندک تغییر در عبارات همین تعریف را پذیرفته است.

ماده ۵۳۵ قانون ۹۲ لایحه مقرر می‌دارد:

هر گاه دو یا چند نفر با انجام عمل غیر مجاز در وقوع جنایتی به نحو سبب و به صورت طولی دخالت داشته باشند کسی که تأثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تأثیر سبب یا اسباب دیگر باشد، ضامن است مانند آنکه یکی از آنان گودالی حفر کند و دیگری سنگی در کنار آن قرار دهد و عابری به سبب برخورد با سنگ به گودال بیفتد که در این صورت، کسی که سنگ را گذاشته، ضامن است، مگر آنکه همه قصد ارتکاب جنایت را داشته باشند که در این صورت شرکت در جرم محسوب می‌شود.

در ماده ۵۳۶ نیز آمده است:

هر گاه در مورد ماده ۵۳۵ این قانون عمل یکی از دو نفر غیر مجاز و عمل دیگری مجاز باشد مانند آنکه شخصی وسیله یا چیزی را در کنار معبر عمومی که مجاز است، قرار دهد و دیگری کنار آن چاهی حفر کند که مجاز نیست، شخصی که عملش غیر مجاز بوده، ضامن است. اگر عمل شخصی پس از عمل نفر اول و با توجه به اینکه ایجاد آن سبب در کنار سبب اول موجب صدمه زدن به دیگران می‌شود انجام گرفته باشد، نفر دوم ضامن است.

بنابراین قانون‌گذار اگرچه در ابتدا ضمن تصریح به اجتماع طولی اسباب، احکام راجع به اجتماع عرضی عوامل را مغایر با ضوابط تعیین عامل ضامن در اجتماع طولی دانسته است و با الهام از نظریه مشهور فقیهان اسلامی در اجتماع اسباب، ملاک احراز رابطه استناد را تقدم تأثیر مقرر کرده است. لکن در ادامه، متأثر از مبانی متفاوت در موضوع واحد، اجرای قاعده را به پریشانی کشانده - و مانند آنچه درباره بسیاری از تأسیسات و نهادهای حقوقی در این لایحه به چشم می‌خورد - به آشفتگی مفاهیم و ضوابط دامن زده است. در این مقاله تلاش می‌شود چگونگی تجدیدنظر قانون‌گذار در ضوابط احراز رابطه استناد، وقتی عوامل متعدد بر نحو سببیت و در طول یکدیگر در صدمه یا خسارت دخالت داشته‌اند، مورد نقد و ارزیابی قرار گیرد.

تزام موازین

قانون‌گذار در مواد ۵۳۵ و ۵۳۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تشخیص سبب یا اسباب ضامن را مبتنی بر سه ملاک و شاخص متمایز استوار کرده است: ۱. زمان حدوث اسباب؛

۲. زمان تأثیر اسباب؛ ۳. عمد و قصد اسباب.

اگر قسمت اخیر ماده ۵۳۶ که به التفات سبب مؤخر، نسبت به تأثیر فعل خود در افزایش قابلیت خطرناکی سبب مقدم پرداخته است، به منزله قصد غیر مستقیم سبب مؤخر در اضرار قلمداد نشود باید شاخص چهارمی که به وجه مادی نقش سبب معطوف است به معیارهای فوق افزوده، «تأثیر اسباب بر افزایش استعداد اضرار سبب مقدم» را نیز از ملاک‌های تشخیص عامل ضامن محسوب داشت.

آنچه بدواً موجب تقویت پذیرش شاخص چهارم است اظهارنظر شورای نگهبان مبنی بر خلاف شرع بودن بخشی از قسمت اخیر ماده ۵۳۶ است که در مصوبه ابتدایی مجلس (در ماده ۵۴۰) به این شرح آمده بود: «... و همچنین اگر عمل یکی بر خلاف عمل دیگری، به قصد تحقق آن جنایت انجام گرفته باشد، قاصد ضامن است...» که با اعلام مغایرت آن با شرع، از ماده ۵۳۶ حذف شده است. بنابراین از طرفی با نفی تأثیر قصد در احراز رابطه استناد و از طرف دیگر عدم اعلام مخالفت قسمت اخیر ماده ۵۳۶ با موازین شرعی باید چنین نتیجه گرفت که این قسمت، به عمد و قصد سبب مؤخر، توجه نداشته بلکه به نقش وی در افزایش خطرآفرینی سبب قبل از خود، به عنوان یک معیار مادی پرداخته است.

لکن واقع آن است که تصور عدم قصد سبب مؤخر، با وجود التفات وی به تأثیر فعل ارتكابی در حدوث نتیجه، منتفی است زیرا توجه وی به سببیت اقدام خود در افزایش تأثیر سبب اول، به منزله قصد غیر مستقیم وی در اضرار قلمداد می‌گردد. به عبارت دیگر قصد ایجاد سبب با علم و التفات به سببیت آن در اضرار، مانند قصد مسبب بوده و از مصادیق قصد تبعی و غیر اصالی است.

لذا نمی‌توان «ارتقای استعداد اضرار» را به عنوان شاخصی مستقل قلمداد کرد، چون در این صورت باید علم یا عمد سبب مؤخر در این امر مادی را بدون اثر شمرده، در همه موارد سبب مؤخر در حدوث را ضامن دانست، زیرا همیشه سبب مؤخر، عامل افزایش قابلیت اضرار اسباب مقدم در ایجاد است.

بنابراین آنچه در فراز پایانی ماده ۵۳۶ آمده است (صرف نظر از ایراد اساسی وارد بر آن) معطوف به التفات و قصد سبب مؤخر است و قانون‌گذار در مقام بیان شاخصی غیر از عمد و قصد سبب مؤخر، برای تشخیص رابطه استناد نبوده است.

تزام و هم‌پوشانی معیارهای سه‌گانه مذکور در اجتماع طولی اسباب، فروض متنوع و گاه پیچیده‌ای را موجب می‌شود، لکن با توجه به نحوه دخالت عوامل و ماهیت فعل ارتكابی و نیز موازینی که در مواد فوق‌الذکر به منظور شناسایی عامل ضامن مقرر شده است می‌توان فروض مختلف را به چهار گونه زیر دسته‌بندی و خلاصه کرد:

۱- «اجتماع اسباب عامد» صرف‌نظر از تقدم و تأخر آنها در تأثیر و در حدوث؛

۲- «اجتماع اسباب غیر عامد» صرف‌نظر از تقدم و تأخر آنها در حدوث؛

۳- «اجتماع سبب عامد مؤخر در حدوث با سبب غیر عامد» صرف‌نظر از تقدم

و تأخر آنها در تأثیر؛

۴- «اجتماع سبب عامد مقدم در حدوث با سبب غیر عامد».

این نحو از تنوع صورت‌های دخالت اسباب در وقوع زیان که مبتنی بر رکن روانی و پذیرش تأثیر عمد و قصد در واقعیت خارجی پیوند دو پدیده مادی است از ابداعاتی است که در طول صدها سال مطالعات فقهی و حقوقی دانشمندان اسلامی بی‌سابقه به نظر می‌رسد. احراز رابطه استناد در هر یک از گونه‌های فوق تابع قاعده‌ای متمایز است به نحوی که در صورت التزام شاخص‌های مذکور گاه «زمان تأثیر» بر دو شاخص دیگر تقدم می‌یابد و گاه «زمان حدوث» سبب و در مواردی «عمد و قصد» مرتکب بر زمان حدوث یا تأثیر سبب، رجحان داده می‌شود.

بنابراین گاه نتیجه به همه اسباب و گاه به سبب مقدم در تأثیر مستند می‌گردد و در مواردی زیان حاصل به سبب مؤخر در حدوث، نسبت داده می‌شود.

تساوی اسباب در ضمان

چنانچه همه اسباب طولی مؤثر در وقوع صدمه یا خسارت، در ایجاد زیان، عمد داشته باشند، به موجب ماده ۵۳۵ قانون مجازات ۹۲ همه آنها شریک در این امر قلمداد شده نسبت به جبران صدمه یا خسارت مشترکاً ضامن خواهند بود.

قانون‌گذار، عمد و قصد اسباب را که از موجبات ثبوت حکم تکلیفی است در حکم وضعی - که در اینجا ناظر به واقعیت خارجی است - به نحوی تسری داده که با قواعد حاکم بر تحقق شرکت در جرم و اضرار، مغایر است زیرا بر اساس موازین و

اصول کلی حقوق جزا که ملهم از فقه امامیه، در بسیاری از قوانین منعکس است، شرکت صرفاً صورتی از انجام رکن مادی جرم است که با اجتماع عوامل متعدد در عرض یکدیگر محقق می‌گردد. لذا تأسیس «شرکت»، با عمد و قصد و دیگر خصوصیات رکن روانی کاملاً بیگانه است.

پیش‌بینی فرض تحقق شرکت با اجتماع مرتکبان عامد و غیر عامد که در ماده ۳۶۹ قانون مجازات ۹۲ نیز آمده است^۱ و به طور کلی تصریح به امکان مشارکت در جرایم غیر عمدی،^۲ در قانون مجازات اسلامی ۹۲، به روشنی بر عدم تأثیر قصد در تحقق شرکت در جرم دلالت دارد. به علاوه اساساً مشارکت در حدوث زیان، مستلزم عدم مشروعیت و مجرمانه بودن فعل ارتكابی و در نتیجه وجود عمد یا تقصیر در آن نیست؛ زیرا شرکت، واقعیتی مادی است که از تأثیر هم‌زمان عوامل متعددی که در عرض یکدیگر اجتماع کرده‌اند حکایت می‌کند به نحوی که پیوند واقعی بین صدمه یا خسارت با فعل شرکا، موجب اسناد نتیجه به همه آن عوامل می‌گردد.

بنابراین عمد و قصد هرچند در ماهیت ضمان هر یک از شرکا می‌تواند مؤثر باشد، در تحقق واقعیت شرکت، احراز رابطه استناد و ثبوت ضمان شرکا، مدخلیتی نخواهد داشت.

عجیب آنکه شورای نگهبان در حالی که تأثیر قصد جنایت از سوی یکی از اسباب را در اسناد نتیجه به وی، خلاف موازین شرع دانسته و با تذکر خود موجب حذف آن از ماده ۵۴۰ لایحه (ماده ۵۳۶ فعلی) می‌گردد از اظهار نظر نسبت به تأثیر قصد هر دو سبب در تحقق شرکت و اسناد جنایت به آن‌ها غفلت ورزیده است.

اگرچه برخی دیدگاه‌های فقهی، ضمان همه اسباب را در اجتماع طولی آن‌ها محتمل دانسته (ر.ک: حلی، ۱۴۰۸: ۲۴۱/۴؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۱۴۷/۴۲) یا بعضی فقیهان بدان فتوا داده‌اند (ر.ک: خوبی، بی‌تا: ۲۶۰/۲، مسئله ۲۷۲؛ مدنی کاشانی، بی‌تا: ۱۳۹/۱-۱۴۰) هیچ یک از آنان اشتراک در ضمان را متأثر از قصد اسباب تلقی نکرده، عمد را (بر خلاف رویکرد

۱. به موجب ماده ۳۶۹ قانون مجازات اسلامی ۹۲ «قتل یا هر جنایت دیگر می‌تواند نسبت به هر یک از شرکا، حسب مورد، عمدی، شبه عمدی یا خطای محض باشد.

۲. در قسمت اخیر ماده ۱۲۵ قانون مجازات ۹۲ آمده است: «در مورد جرایم غیر عمدی نیز چنانچه جرم، مستند به تقصیر دو یا چند نفر باشد، مقصران شریک در جرم محسوب می‌شوند و مجازات هر یک از آنان مجازات فاعل مستقل آن جرم است».

جدید قانون گذار) در طبیعت مادی «شرکت» دخالت نداده‌اند.

گروه قلیلی از فقیهان سنی، تحقق برخی از صورت‌های شرکت را متأثر از عمد و تبانی سابق مداخله‌کنندگان پذیرفته و آورده‌اند که هر گاه دو تن، در انجام سرقتِ حدی یکدیگر را همراهی کنند، شریک در جرم خواهند بود. لذا هر چند یکی هتک حرز کرده و دیگری مال را ربوده باشد، بر هر دو کیفر حد سرقت ثابت است (ر.ک: ابن قدامه، ۱۳۸۸: ۱۴۱/۹؛ همو، بی‌تا: ۲۵۶/۱۰).

در قتل نیز بنا بر آنچه از مالک نقل شده است، صورتی از توافق قبلی می‌تواند موجب تحقق شرکت شود. چنان که هر گاه چند نفر بر قتل کسی تبانی کنند و یکی از آنان در شرایطی او را بکشد که در صورت استتکاف، دومی یا سومی و... به آن اقدام می‌کنند، همه آنان، شریک در قتل قلمداد شده‌اند.

در تأیید این رأی که ظاهراً در مقام مبالغه در صیانت از دِما مطرح شده به سخن خلیفه دوم استناد شده است که دربارهٔ گروهی که یکی از آنان مردی را کشته بود گفت: «لو تمالأ^۱ علیه أهل صنعاء لقتلتهم به» (ابن انس، ۱۴۲۵: ۱۲۸۱/۵، ح ۲۲۴۶؛ ابن رشد قرطبی، ۱۴۲۵: ۱۸۲/۴).

فتوای مذکور که به نظر می‌رسد مصداق روشنی از اسراف در قتل است از جنبه‌های مختلف، مورد مخالفت بیشتر حقوق‌دانان اسلامی قرار گرفته است (ر.ک: سرخسی، ۱۴۱۴: ۱۲۷-۱۲۶/۲۶؛ قزافی، ۱۹۹۴: ۱۳۴/۱۲؛ ابن عبدالسلام، ۱۴۱۴: ۱۵۶/۲)، زیرا تبانی و تمالؤ نمی‌تواند عدم دخالت مادی در یک امر را جبران کرده، نقش یک اقدام واقعی به آن بخشد و نمی‌توان -علی‌رغم تصور برخی- قصد و عمد نسبت به امری را به منزلهٔ مباشرت در آن امر قلمداد کرد (ر.ک: برکتی، ۱۴۰۷: ۴۰/۱)^۲.

بنابراین در منابع فقهی مانند آنچه در حقوق ایران مطرح است موضوع شرکت صرفاً با رکن مادی جرم مرتبط است، لذا شرکت در وقوع زیان، بدون لحاظ کیفیت رکن روانی و توجه به انگیزه یا عمد و قصد شرکا، امری عینی و واقعی قلمداد می‌گردد و از این رو فعل مکلف و غیر مکلف در تحقق آن یکسان است (ر.ک: صادقی، ۱۳۷۹: ۲۲۶ به بعد).

۱. تعاون و اجتماع گروه بر امری (ر.ک: دهخدا، ۱۳۷۷: ۶۹۶۱/۴).

۲. الأصل عندنا، العزم علی الشیء لیس بمنزلة المباشرة وعند مالک بمنزلة المباشرة.

مقنن در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، ضمن عدول از رویکرد فقیهان شیعی در موضوع شرکت در جرم، واقعی بودن اسناد نتیجه به هر یک از شرکا را لازم نشمرده، تأثیر و تأثر دو پدیده مادی (فعل و نتیجه) را تابع امری ذهنی تصور کرده است به طوری که وجود یا عدم قصد را در میزان تأثیر فعل ارتكابی مدخلیت داده و به تبع آن اسناد نتیجه به آن را ممکن شمرده است. در حالی که واقعیت تأثیر فعل، ربطی به عمد و قصد نداشته و متأثر از آن شدت و ضعف نمی‌یابد.

به علاوه، این رویکرد افراطی، حتی به شرایطی که برخی فقیهان سنی برای پذیرش تأثیر تبانی در تحقق شرکت لازم شمرده‌اند، نیز توجه نکرده است؛ زیرا به زعم این فقیهان، شریک شمردن عواملی که در اعمال مادی جرم دخالت نداشته‌اند، به نحوی از تبانی و حضور در صحنه جرم مشروط است که در تحریک و ترغیب مرتکبان مؤثر باشند (ر.ک: دسوقی، بی‌تا: ۲۴۵/۴)^۱، در حالی که قانون‌گذار صرف همراهی طولی اسباب با وجود قصد را - اگرچه تبانی، سابق بر اضرار نبوده و تأثیر سبب مقدم، متأثر از این تبانی و توافق نباشد- موجب تحقق شرکت دانسته است.

از طرف دیگر، تدوین‌کنندگان لایحه با این اقدام، مرزهای دو نهاد حقوقی شرکت و معاونت را در هم آمیخته، موجبات تعارض ادله را فراهم ساخته‌اند، زیرا بسیاری از صورت‌های معاونت را -وقتی مجرم اصلی بر نحو سببیت موجب حدوث نتیجه شده است- در زمره شرکت آورده است؛ برای مثال اگر کسی به قصد قتل، دیگری را به حفر چاه در محل عبور ثالث ترغیب کند و اقدام حافر موجب جنایت گردد، معلوم نیست در این مورد که از مصادیق اجتماع طولی اسباب است به موجب کدام یک از مواد قانونی مربوط به معاونت یا شرکت باید عمل شود، چرا که هر دو عامل -حافر و ترغیب‌کننده- اسبابی هستند که به قصد جنایت اقدام کرده‌اند و به استناد ماده ۵۳۵ قانون مجازات ۹۲ هر دو شریک در جنایت خواهند بود. در حالی که تمام شرایط لازم برای تحقق جرم معاونت، با وجود وحدت قصد فراهم بوده و مورد، به موجب ماده ۱۲۶ همین قانون از مصادیق معاونت است.

۱. و يقتل المتماثلون علی القتل أو الضرب بأن قصد الجميع الضرب وحضروا وإن لم يتوكله إلا واحد منهم إذا كان غیر الضارب لو لم يضرب غیره لضرب.

لذا با توجه به این امر یقینی که اراده قانون گذار - چنان که در ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی نیز منعکس است^۱ - انحصار تحقق معاونت به دخالت معاون در فعل مجرمانه به نحو شرط نبوده است، مفاد ماده ۵۳۵ معارض با قوانین مربوط به معاونت است.

به موجب این ماده، همه اسباب دور و نزدیک که در وقوع نتیجه دخالت دارند به صرف وجود وحدت قصد به عنوان مجرم اصلی، شریک در زیان قلمداد شده‌اند. در حالی که نمی‌توان بر اساس موازین حقوقی، اسباب دور را مانند مجرم اصلی ضامن شمرد، زیرا این نحو از سببیت وقتی به صورت معاونت در معاونت در جرم واقع می‌شود حتی معاونت در جرم اصلی نیز قلمداد نمی‌گردد. از این رو شریک دانستن آن به طریق اولی غیر موجه است.

بنابراین پذیرش ضمان همه اسباب عامد در اجتماع طولی آن‌ها و یکسان شمردن آن با قواعد ناظر بر ضمان در اجتماع عرضی عوامل، خلاف موازین منطقی و اصول حاکم بر حقوق جزا بوده، ضمن ایجاد به هم ریختگی در مفاهیم اساسی موجب تعارض ادله و قواعد است.

ضمان سبب مقدم در تأثیر

حقوق دانان اسلامی غالباً در اجتماع اسباب، سبب مقدم در تأثیر را ضامن شمرده و به رغم برخی نظریات مغایر، با استناد به دلایلی موجه، استحکام این رأی را قوت بخشیده‌اند.

۱. ماده ۱۲۶: « اشخاص زیر معاون جرم محسوب می‌شوند: الف- هر کس، دیگری را ترغیب، تهدید، تطمیع یا تحریک به ارتکاب جرم کند یا با دسیسه یا فریب یا سوءاستفاده از قدرت، موجب وقوع جرم گردد. ب- هر کس وسایل ارتکاب جرم را بسازد یا تهیه کند یا طریق ارتکاب جرم را به مرتکب ارائه دهد. پ- هر کس وقوع جرم را تسهیل کند. تبصره- برای تحقق معاونت در جرم، وحدت قصد و تقدم یا اقتران زمانی بین رفتار معاون و مرتکب جرم شرط است. چنانچه فاعلی اصلی جرم، جرمی شدیدتر از آنچه مقصود معاون بوده است مرتکب شود، معاون به مجازات معاونت در جرم خفیف‌تر محکوم شود». بسیاری از صورت‌های مذکور در ماده به ویژه در بند الف آن مصداق سببیت است که در آن، سبب با مباشر با وجود عمد و وحدت قصد در انجام جرم اصلی و به صورت طولی اجتماع کرده است. توضیح اینکه نحوه دخالت معاون در ارتکاب جرم معاونت، ممکن است به صورت ایجاد شرط یا سبب باشد که در صورت اخیر در اجتماع سبب و مباشر، نباید «سبب اقوی از مباشر» باشد و در اجتماع اسباب نباید «سبب مقدم در تأثیر» قلمداد گردد.

قانون‌گذار در ماده ۵۳۵ قانون مجازات ۹۲ بدو تأثر از رأی مشهور فقیهان شیعه و سنی، ضمان سبب مقدم در تأثیر را پذیرفته است، لکن با قیودی که در منابع حقوقی بی سابقه به نظر می‌رسد، دامنه این قاعده کلی را محدود کرده است. به طوری که از طرفی اجتماع اسباب قاصد را شرکت تلقی کرده و از طرف دیگر با مفهوم قسمت اخیر ماده ۵۳۶ - که معلوم نیست چه ارتباطی با صدر آن دارد - ضمان سبب مقدم در تأثیر را تخصیص زده، ضابطه دیگری را مطرح کرده است. لذا با توجه به مواد مذکور، در دو صورت از اجتماع طولی اسباب، نتیجه به سبب مقدم در تأثیر، اسناد داده می‌شود:

- اجتماع اسباب عدوانی، بدون قصد نتیجه

- اجتماع سبب عامد مقدم در حدوث، با سبب غیر عامد

بنا بر فرض اول، هرگاه اسباب عدوانی بدون قصد اضرار در طول یکدیگر اجتماع کنند عاملی که تأثیر آن پیش از عوامل دیگر است هرچند مؤخر در حدوث باشد، ضامن است. در فرض دوم - که با توجه به مفهوم قسمت پایانی ماده ۵۳۶ قابل طرح است - سببی که در ایجاد مقدم بر سایر اسباب است، هرچند قاصد باشد، در ضمان بر اسباب دیگر برتری نیافته همچنان سبب مقدم در تأثیر ضامن خواهد بود که ممکن است آن (سبب مقدم در تأثیر)، سبب قاصد مقدم در حدوث یا سبب غیر قاصد مؤخر در ایجاد باشد. بنابراین در مواردی که سبب مؤخر در حدوث قصد نداشته باشد - صرف نظر از عمد یا عدم قصد سبب مقدم در حدوث - زیان به سبب مقدم در تأثیر اسناد داده می‌شود. این رأی مستلزم آن است که هرگاه سبب مقدم در تأثیر، وقتی سبب مؤخر در حدوث است، با سبب عامد اجتماع کند، چنانچه در ایجاد و نتیجه قاصد نباشد، زیان حاصل، تماماً به وی مستند شده، نسبت به جبران کامل آن ضامن باشد و اگر عمد داشته باشد فقط نسبت به نیمی از خسارت مسئول قلمداد گردد! مانند آنکه اولی به قصد اضرار چاهی حفر کند و دومی بدون آنکه قصد صدمه یا خسارت داشته باشد عدواناً سنگی را در کنار آن بگذارد و موجب زیان شود فقط گذارنده سنگ ضامن است، لکن اگر واضح سنگ نسبت به وقوع صدمه یا خسارت عامد باشد، فقط عهده‌دار جبران نیمی از زیان است، زیرا با اجتماع اسباب عامد، ضابطه تقدم تأثیر، در احراز رابطه استناد منتفی بوده مورد از مصادیق شرکت قلمداد می‌گردد، چرا که به زعم

قانون‌گذار «عمد» همه عوامل، موجب استناد نتیجه به همه اسباب مداخله‌کننده است. این دیدگاه عاری از منطق، وقتی ناموجه‌تر به نظر می‌رسد که بر اساس آن، تأثیر علم و عمد یک عامل را در تحقق رابطه مادی بین نتیجه و فعل عامل دیگر پذیرفته است. به عبارت دیگر امر ذهنی مربوط به یک عامل را (در مثال فوق سبب مقدم در تأثیر) در رابطه استناد مربوط به عامل دیگر (حافر چاه یعنی سبب مقدم در حدوث) مدخلیت داده است! به علاوه در مواردی که اسباب متعدد بیش از دو عامل به صورت عمد و غیر عمد در وقوع نتیجه، دخالت داشته باشند بروز تراحم قواعد، تزلزل بنیاد رویکرد قانون‌گذار را بیشتر آشکار می‌کند.

صرف نظر از فقدان مبانی معقول در تنويع مذکور، اگرچه قانون‌گذار در مواردی که سبب دیوانه یا صغیر باشد ساکت است اما ظاهراً در احکام فوق باید غیر مکلف را به غیر عامد ملحق دانست.

ضمان سبب مؤخر در حدوث

چنانچه سبب مقدم در حدوث قصد وقوع نتیجه و اضرار نداشته باشد اما سبب مؤخر با التفات به اینکه عمل وی در کنار سبب مقدم موجب صدمه یا خسارت خواهد شد اقدام کند، به موجب قسمت دوم ماده ۵۳۶ قانون مجازات ۹۲، نتیجه حاصل به عامل دوم مستند می‌گردد هرچند عمل او سبب مقدم در تأثیر قلمداد نگردد.

بنابراین مقنن صرفاً با تأکید بر تأثیر قصد در احراز رابطه استناد، «عمد» سبب مؤخر در حدوث را موجب عدم مسئولیت سبب مقدم در تأثیر دانسته، سبب مؤخر را به طور کلی، صرف نظر از تقدم و تأخر آن در تأثیر، ضامن شمرده است.

ممکن است در توجیه ضمان سبب مؤخر گفته شود که سبب دوم به فعل خود افزایش خطر سبب اول را موجب شده است، لذا باید نتیجه را به همان نسبت داد. در حالی که اولاً: چنان که پیش از این گذشت، قصد عامل دوم نمی‌تواند در نقش مادی عامل اول (سبب مقدم در حدوث) وقتی تأثیر ابتدایی نیز به آن منسوب است، دخالت داشته، رابطه واقعی میان سبب مقدم در تأثیر و نتیجه حادث را - که با توجه به ماده ۵۳۵ ثابت است - دگرگون سازد.

ثانیاً: اگر ضابطه در احراز رابطه استناد، قوت نقش سبب در افزایش ظرفیت خطرناکی سبب سابق باشد بدون تفصیل در اجتماع اسباب و بدون تأثر از عمد و قصد عوامل، به طور کلی ضمان سبب مؤخر در حدوث را پذیرفت، زیرا اصولاً عمد و قصد سبب دوم، در میزان تأثیر واقعی سبب اول و افزایش خطر تأثیر آن در حدوث نتیجه، هیچ سهمی ندارد. به علاوه با توجه به این ماده معلوم نیست در موارد اجتماع بیش از دو سبب، اگر سبب مؤخر در حدوث عمد نداشته باشد لکن سبب پیش از آن عامد بوده و سبب مقدم نیز غیر عامد باشد، با تمسک به کدام ضابطه باید عامل ضامن را مشخص کرد، مانند آنکه اولی بدون قصد، شیء لغزنده‌ای را در معبر افکند و دومی با توجه به آن و عمداً در کنار آن گودالی حفر کند و سومی بدون عمد و قصد، عدواناً اشیای برنده‌ای را در آن قرار دهد. در این صورت سبب مؤخر در حدوث را نمی‌توان ضامن شمرد زیرا عمد نداشته است. اما آیا می‌توان نتیجه را به حافر گودال - در حالی که سبب مقدم در حدوث قلمداد نمی‌گردد و با التفات به شیء لغزنده عمداً و به قصد جنایت آن را ایجاد کرده است - مستند دانست؟!

توسل به ضابطه مذکور در تشخیص رابطه استناد فاقد سابقه است زیرا هرچند ضمان سبب مؤخر در وجود از سوی برخی فقهای اسلامی مطرح و بر «احتمال» صحت آن نظر داده‌اند، بر خلاف رویه قانون‌گذار، این گروه عمد و قصد را در ضمان سبب مؤخر دخالت نداده‌اند. به علاوه به رغم طرح آن هیچ یک از فقیهان شیعی قائل به آن نبوده و بدان فتوا نداده است (ر.ک: رشتی، بی‌تا: ۴۱).^۱

بنابراین طرح چنین ضابطه‌ای در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ از جمله بدعت‌هایی است که توجیه منطقی بر آن متصور نیست.

ابهام در طبیعت رابطه استناد

قانون‌گذار در یک رویکرد بدعت‌آمیز، عمد سبب نسبت به نتیجه یا التفات وی به نقش فعل خود در ایجاد شرایط تأثیر و سببیت عامل دیگر در حدوث زیان را در ثبوت

۱. وهذا الاحتمال یمكن الركون إليه إلا أنّ الفاضل ذكره احتمالاً لا قولاً ولم نجد ولا حکى عن غيره.

رابطه استناد مدخلیت داده است. ماده ۵۳۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ پس از بیان قاعده کلی ضمان سبب مقدم در تأثیر، در اجتماع اسباب عدوانی، آن را -به شرح مذکور در قسمت اخیر ماده- به این صورت مقید ساخته است:

... مگر آنکه همه قصد ارتکاب جنایت را داشته باشند که در این صورت شرکت در جرم محسوب است.

در بخش انتهایی ماده ۵۳۶ لایحه نیز چنین آورده است:

... اگر عمل شخصی که پس از عمل نفر اول و با توجه به اینکه ایجاد آن سبب در کنار سبب اول، موجب صدمه زدن به دیگران می شود انجام گرفته باشد، نفر دوم ضامن است.

بنابراین قانون گذار رابطه استناد را لزوماً واجد ماهیتی مادی ندانسته و وجود واقعی آن را برای ثبوت ضمان، ضروری نشمرده است و بر این اساس برخی شرایط غیر مادی را که اصولاً فاقد تأثیر واقعی در پیوند دو امر عینی هستند، موجبی برای اعتبار رابطه استناد محسوب کرده است، در حالی که این رابطه، مبین پیوند بین فعل با صدمه یا خسارت است؛ فعل و نتیجه ای که هر دو از عناصر مادی بوده دارای طبیعتی واقعی هستند و بدیهی است که رابطه بین آنها، یعنی نقش فعل در وقوع نتیجه نیز مانند ارتباط سببی بین هر دو پدیده مادی دیگر، طبیعتی ملموس و عینی خواهد داشت. از این رو اثبات نقش و تأثیر فعل ارتكابی در ایجاد ضرر و زیان، مانند سایر پدیده های مادی خارجی، بر تجربه و استدلال علمی متکی است و نمی توان علیت یا سببیت عنصری در ایجاد یک نتیجه را متأثر از امور ذهنی و غیر واقعی تصور کرده و آن را امری اعتباری محسوب کرد.

تأکید بر وجود واقعی رابطه استناد در حقوق کیفری موجب شده است که این رابطه به درستی به عنوان مهم ترین جزء لازم در تحقق رکن مادی مورد توجه قرار گیرد، زیرا تبیین پیوند میان دو جزء مادی این رکن را بر عهده دارد (حسینی، ۱۳۸۵: ۲۷-۳۰ و ۸۷ به بعد). برخی بر این تصورند که در جرایم غیر عمد جایگاه رابطه استناد، رکن روانی است؛ زیرا در این گونه جرایم نتیجه باید به خطای جزایی اسناد داده شود و از آنجا که خطای جزایی جزئی از رکن روانی جرایم غیر عمدی محسوب می گردد، این موضوع نیز به

رکن روانی مربوط می‌شود.

لکن باید توجه داشت که خطای جزایی واجد دو جنبهٔ مادی و ذهنی است و ضرورت اسناد زیان به خطای جزایی به وجه مادی آن معطوف است نه جنبه‌هایی که به پیش‌بینی حدوث نتیجه مربوط است.

بنابراین در تمام جرایم عمد و غیر عمد، رابطهٔ استناد در ذیل رکن مادی بررسی شده است زیرا ویژگی‌های رکن روانی، صلاحیت تأثیر در امور مادی را نداشته، نمی‌تواند واقعیت پیوند سببی دو عنصر را متزلزل یا با فقدان چنین رابطه‌ای، وجود آن را موجب شود. قصد یا علم مرتکب که ماهیتی غیر مادی دارد هرگز استعداد ایجاد یا قطع ارتباط علمی بین دو پدیده را نداشته و از این رو هیچ موقعیتی، در توجیه سببیت یا علت فعل، در حدوث زیان یا عدم آن را ندارد. لذا استناد نتیجه به عمد یا تقصیر بر خلاف تصور قانون‌گذار امری غیر منطقی و به دور از واقعیت است.^۱

اگرچه قصد و عمد می‌تواند در توصیف مجرمانهٔ رفتار مؤثر باشد در قواعد حاکم بر ضمان بلاثر است؛ زیرا هیچ ملازمه‌ای بین ضمان که حکمی وضعی است با جرم وجود ندارد. ضمان مایزای نتیجه و زیان حاصل است. صدمه یا خسارت ایجاد شده ممکن است ناشی از فعل عمدی و مجرمانه یا غیر آن باشد؛ چرا که اصولاً ویژگی‌های فعل ارتكابی، از حیث وجود یا عدم قصد و نیز از جهت جواز و یا عدم مشروعیت، در حکم تکلیفی مؤثر بوده و در حکم وضعی ضمان فاقد اثر است و از این روست که فعل مکلف و غیر آن، اگرچه فاقد توصیف مجرمانه باشد، چنانچه منجر به زیان شود، موجب ثبوت ضمان است. بر این اساس فقیهان اسلامی عموماً رابطهٔ استناد را امری محسوس، مادی و واقعی شمرده، استناد معتبر در اجتماع عوامل را استناد واقعی دانسته‌اند چنان که در توجیه نظریات خود در ضمان مباشر یا ضمان سبب اقوی (در اجتماع سبب و مباشر) و نیز ضمان سبب مقدم در تأثیر (در اجتماع اسباب)، به تعلیل علمی و مادی قواعد

۱. در مادهٔ ۵۳۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ آمده است: «در کلیه موارد مذکور در این فصل هر گاه جنایت منحصراً مستند به عمد و یا تقصیر مجنی علیه باشد ضمان ثابت نیست. در مواردی که اصل جنایت مستند به عمد یا تقصیر مرتکب باشد لکن سرایت آن مستند به عمد یا تقصیر مجنی علیه باشد مرتکب نسبت به مورد سرایت ضامن نیست». صحیح آن است که عبارت «عمد و یا تقصیر» از هر دو فراز ماده حذف گردد.

پرداخته‌اند و امور ذهنی مانند عمد و قصد را که در پیوند واقعی میان فعل و نتیجه مدخلیتی ندارد، در احراز رابطه استناد بی‌اثر شمرده‌اند و اگر در مواردی با توجه به عرف، دیدگاه‌های خویش را طرح کرده‌اند نه به آن دلیل است که رابطه استناد را امری غیر واقعی و اعتباری شمرده‌اند، بلکه با هدف استظهار از تفاهم عرفی در صدد تطبیق مصادیق برآمده‌اند بی‌آنکه مؤید نقش قاعده‌ساز عرف در این باره بوده و بر مبنای آن، امور ذهنی یا پندارهای عرفی را در ثبوت رابطه استناد مدخلیت داده باشند.

بر همین اساس شورای نگهبان در اظهارنظر خود نسبت به ماده ۵۴۰ لایحه (۵۳۶ فعلی) که از جمله مقرر می‌داشت: «... و همچنین اگر عمل یکی، بر خلاف عمل دیگری، به قصد تحقق آن جنایت انجام گرفته باشد قاصد ضامن است...» این عبارت را خلاف شرع می‌شناسد.^۱

بنابراین قانون‌گذار بر خلاف اصول منطقی و سوابق فقهی، ویژگی‌های رکن روانی را در احراز رابطه استناد مؤثر دانسته، طبیعت این رابطه را در مواردی غیر واقعی و غیر مادی تصور کرده است.

تعارض موازین

چنان که پیش از این اشاره شد تصور وقوع صدمه یا خسارت به دنبال اجتماع اسباب بدون وجود علت یا مباشر - اگرچه علت طبیعی یا قهری - غیر ممکن است از این رو در فرض اجتماع اسباب در واقع اجتماع اسباب و مباشر مطرح است که با توجه به موازین

۱. متأسفانه شورای نگهبان با غفلت از فراز بعدی ماده مذکور که قصد تبعی سبب مؤخر را موجب قطع رابطه استناد از سبب مقدم در تأثیر و اسناد نتیجه به «سبب مؤخر» دانسته، مغایرت آن را با موازین شرع اعلام نکرده است. در حالی که هرچند سبب، فاقد قصد ابتدایی و اصالی است اما با التفات و علم به تأثیر فعل خود و نقش آن در حدوث نتیجه به آن اقدام کرده است. در این صورت مرتکب به تبع قصد ایجاد سبب و با علم و توجه به سببیت آن در حدوث زیان در واقع عمد در اضرار داشته ضمناً آن را قصد کرده است و از آنجا که تفاوتی میان قصد ابتدایی سبب مؤخر نسبت به نتیجه با قصد تبعی و غیر مستقیم وی نبوده و در هر صورت، وجود قصد اضرار محرز است سکوت شورای نگهبان در این باره توجیه‌ناپذیر است؛ زیرا وقتی قصد ابتدایی سبب مؤخر، در رابطه استناد بلااثر است به طریق اولی قصد ضمنی وی نیز نمی‌تواند در ایجاد چنین پیوندی نقش یابد. لذا قسمت اخیر ماده ۵۳۶ نیز مانند قسمت حذف‌شده پیش از آن، بنا بر وحدت ملاک، خلاف منطقی و موازین شرع است.

مذکور در ماده ۳۶۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰^۱ در اجتماع طولی سبب و مباشر یا اجتماع طولی مباشر با چند سبب که خود در عرض یکدیگر واقع شده‌اند یا اجتماع طولی اسباب و مباشر، نتیجه زیان‌بار به مباشر اسناد داده می‌شود.

لکن هر گاه اقدام مباشر ناشی از فعل سبب و متأثر از آن باشد مانند وقتی که مباشر به دلیل جنون یا صغر، جهل و... به منزله ابزاری در دست سبب اقدام کرده است، مباشر ضعیف و سبب اقوی از آن قلمداد می‌گردد. لذا با کنار نهادن مباشر، نتیجه به سبب اسناد داده می‌شود و اگر چند سبب در عرض یکدیگر باشند نتیجه به همه آنها مستند بوده، شریک محسوب می‌شوند لکن هر گاه پس از کنار زدن مباشر به دلیل ضعف آن، بیش از یک سبب در طول یکدیگر اجتماع کرده باشند، مورد از مصادیق اجتماع اسباب در طول یکدیگر موضوع ماده ۳۶۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ قلمداد می‌گردد. در این صورت چنانچه همه اسباب جز یکی، غیر عدوانی باشند، زیان به همان مستند است، هر چند مؤخر یا مقدم در تأثیر یا حدوث باشد.

هر گاه پس از خارج کردن اسباب غیر عدوانی، بیش از یک سبب که همه عدوانی است باقی بماند، سبب مقدم در تأثیر صرف نظر از تقدم یا تأخر آن در حدوث یا قصد و عمد وی، ضامن شناخته می‌شود.

بنابراین فرض اجتماع طولی اسباب بعد از اعمال قاعده حاکم بر اجتماع سبب و مباشر و استثنای وارد بر آن قابل تصور است. به عبارت دیگر هر گاه بر اساس رأی فقیهان اسلامی با اجرای ماده ۳۶۳ و بعد از خارج کردن مباشر از عداد عواملی که در معرض ضمان قرار دارند چنانچه بیش از یک سبب عدوانی در صدمه یا خسارت مدخلیت داشته باشند مورد از حکم این ماده موضوعاً خارج شده و برای احراز رابطه استناد مطابق ضوابط مذکور در ماده ۳۶۴ که به اجتماع اسباب مربوط است عمل می‌شود.

قانون‌گذار در ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و در مقام تجدیدنظر در موازین مذکور در ماده ۳۶۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ درباره اجتماع سبب و مباشر، با غفلت از آنچه در مواد ۵۳۵ و ۵۳۶ قانون مجازات ۱۳۹۲ آورده است، اجتماع

۱. ماده ۳۶۳: «در صورت اجتماع مباشر و سبب در جنایت، مباشر ضامن است مگر اینکه سبب اقوی از مباشر باشد.»

طولی اسباب را همچنان موضوع ماده ۵۲۶ همین قانون قلمداد کرده است.

در ماده ۵۲۶ قانون مجازات ۱۳۹۲ آمده است:

هر گاه دو یا چند عامل، برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی تأثیر داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد، به طور مساوی ضامن می‌باشد مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هر یک به میزان تأثیر رفتارشان مسئول‌اند. در صورتی که مباشر در جنایت بی‌اختیار، جاهل، صغیر غیر ممیز یا مجنون و مانند آن‌ها باشد فقط سبب، ضامن است.

چنان که ملاحظه می‌شود موضوع ماده فوق به اجتماع سبب و مباشر منحصر نشده است زیرا هر گاه بیش از دو عامل در طول یکدیگر مؤثر در زیان باشند نیز مشمول ضوابط مذکور در ماده ۵۲۶ خواهند بود، مشروط به این امر بدیهی که حداقل یکی از آن‌ها مباشر باشد.

از آنجا که فرض اجتماع طولی چند مباشر غیر ممکن است، تحقق اجتماع بیش از دو عامل در اجتماع طولی سبب و مباشر (مذکور در صدر ماده ۵۲۶ قانون ۱۳۹۲) تنها در فرض اجتماع «مباشر و اسباب» قابل تصور است. در این فرض در مواردی که شرایط اعمال استثنای مذکور در قسمت اخیر ماده ۵۲۶ وجود داشته باشد^۱ مباشر از جمع عوامل ضامن خارج شده و چند سبب عدوانی باقی می‌ماند که در این صورت مورد همچنان موضوع ماده ۵۲۶ محسوب شده است، به نحوی که به موجب آن ممکن است صدمه یا خسارت به همه اسباب مستند شده و عوامل دخالت‌کننده به نسبت مساوی مسئول بوده یا به میزان تأثیر فعل هر یک ضمانت ثابت گردد. در حالی که مورد، از مصادیق اجتماع اسباب عدوانی در طول یکدیگر موضوع ماده ۵۳۵ و ۵۳۶ قانون مجازات ۱۳۹۲ نیز محسوب است و از این جهت با توجه به ضوابط متغیری که در ماده ۵۳۵ مطرح و از جمله آن‌ها ضمانت سبب مقدم در تأثیر است، قانون‌گذار امر واحد را مشمول احکام متغیر دانسته، موازین متعارض را بر موضوع واحد حاکم کرده است.

۱. ظاهراً مراد قانون‌گذار از قسمت اخیر ماده ۵۲۶ - صرف نظر از ایرادات وارد بر آن - ذکر موارد قوت سبب نسبت به مباشر است.

اضطراب در مفهوم عدوان

بنا بر قاعده، ضمان سبب متوقف بر عدوانی بودن آن است. از این رو سبب غیر عدوانی، چه در اجتماع سبب و مباشر و یا در اجتماع اسباب، بدون توجه به تقدم یا تأخر آن در حدوث یا تأثیر، از عداد اسباب مؤثر در وقوع زیان خارج شده و نتیجه به آن اسناد داده نمی‌شود.

عدوان وصف فعل است و مراد از آن انجام عمل به گونه‌ای است که جان یا مال دیگری را در معرض تلف کلی یا جزئی قرار دهد. چنان که قانون‌گذار به درستی در ماده ۵۱۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲^۱ استعداد نوعی فعل در صدمه یا خسارت را موجب تحقق عدوان سبب دانسته و در تبصره ۲ ماده ۵۲۲ قانون مجازات ۱۳۹۲ بر آن تأکید کرده است.^۲

بنابراین عدوان در حقوق جزا در پیوند با فعل ارتكابی و در رکن مادی جرایم مطرح می‌شود و ارتباطی به رکن روانی و یا رکن قانونی جرم نخواهد داشت و از این رو خطای جزایی همیشه مصداق عدوان قلمداد نشده و تنها در مواردی که وجه مادی صورت‌های خطای جزایی، ظرفیت ایجاد صدمه یا خسارت را داشته باشند به نحوی که بدون آن نتیجه زیان‌بار واقع نشود، فعل همراه با خطای جزایی در رابطه با صدمه و خسارت، عدوانی محسوب می‌گردد.

مشروعیت یا عدم مشروعیت فعل ارتكابی در ثبوت عدوان نیز بلااثر است، چنان که ممکن است عملی غیر مجاز و در همین حال غیر عدوانی باشد.

۱. ماده ۵۱۶: «هر گاه کسی چیزی را در مکانی مانند دیوار یا بالکن ملک خود که قراردادن اشیا در آن جایز است، قرار دهد و در اثر حوادث پیش‌بینی نشده به معبر عام و یا ملک دیگری بیفتد و موجب صدمه یا خسارت شود، ضمان منتفی است. مگر آنکه آن را طوری گذاشته باشد که نوعاً مستعد صدمه یا خسارت باشد».

۲. ماده ۵۲۲: «متصرف هر حیوانی که از احتمال حمله آن آگاه است باید آن را حفظ نماید و اگر در اثر تقصیر او، حیوان مزبور به دیگری صدمه وارد سازد، ضامن است. ولی اگر از احتمال حمله حیوان آگاه نبوده و عدم آگاهی ناشی از تقصیر او نباشد، ضامن نیست. تبصره ۱- نگهداری حیوانی که شخص توانایی حفظ آن را ندارد، تقصیر محسوب می‌شود. تبصره ۲- نگهداری هر وسیله یا شیء خطرناکی که دیگران را در معرض آسیب قرار دهد و شخص قادر به حفظ و جلوگیری از آسیب‌رسانی آن نباشد، مشمول حکم تبصره ۱ این ماده است».

قانون گذار اگرچه از طرفی در مواد مختلف قانون مجازات ۱۳۹۲ به این مهم نیز توجه داشته و تحقق عدوان را متوقف بر غیر قانونی بودن فعل ارتكابی ندانسته است،^۱ از طرف دیگر در مواردی، از این قاعده عدول کرده، عدوان را مترادف با «غیر مجاز» تلقی کرده است در صورتی که ممکن است عمل غیر مجاز، استعداد زیان رساندن به دیگری را نداشته و در ارتكاب آن فعل، احتمال صدمه یا خسارت منتفی باشد.

شورای نگهبان در مقام تطبیق لایحه با موازین شرع، در مواردی به این مهم متذکر شده، بر لحاظ مفهوم صحیح عدوان در تدوین قانون تأکید کرده است.^۲ به رغم ایراد شورای نگهبان قانون گذار در موارد متعدد همچنان «وجود منع قانونی»^۳ و یا «عدم رعایت مقررات قانونی»^۴ و نیز چنان که در ماده ۵۳۵ آمده است، «عمل غیر مجاز»^۵ را

۱. از جمله در تبصره ۲ ماده ۵۰۸ قانون مجازات ۱۳۹۲ آورده است: «هر گاه کسی در ملک دیگری و بدون اذن او، مرتکب یکی از کارهای مذکور در ماده ۵۰۷ این قانون گردد و شخص ثالثی که بدون اذن وارد آن ملک شده است، آسیب ببیند، مرتکب عهده دار دیه است، مگر اینکه بروز حادثه و صدمه مستند به خود مصدوم باشد که در این صورت مرتکب ضامن نیست، مانند اینکه مرتکب علامتی هشداردهنده بگذارد یا درب محل را قفل کند لکن مصدوم بدون توجه به علامت یا با شکستن درب وارد شود».

۲. در ماده ۵۲۱ لایحه آمده است (ماده ۵۱۷ فعلی): «اگر مالک یا کسی که عهده دار احداث ملکی است بنایی را به نحو مجاز بسازد یا بالکن و مانند آن را با رعایت نکات ایمنی و ضوابط فنی که در استحکام بنا لازم است در محل مجاز احداث کند و اتفاقاً موجب آسیب یا خسارت گردد، ضامن نیست».

شورای نگهبان در ایراد وارد بر این ماده قبل از اصلاح آن تصریح می کند: «اطلاق عبارات به "نحو مجاز" و "ضوابط فنی" در ماده ۵۲۱ چون شامل مواردی می شود که مؤثر در استحکام بنا نیست خلاف موازین شرع است» و درباره ماده ۵۲۲ (که به صورت ماده ۵۱۸ فعلی اصلاح شده است) چنین نظر داده است: «اطلاق مقررات در ماده ۵۲۲ چون شامل مقررات غیر مؤثر در ایمنی و استحکام نیز می شود خلاف موازین شرع شناخته شد». در خصوص ماده ۵۲۸ (پس از اصلاح) چنین تذکر داده است: «اطلاق عبارت غیر مجاز در مواردی که مدخلیتی در استناد مورد به کسی که سوار حیوان است ندارد، خلاف موازین شرع شناخته شد».

۳. ماده ۵۱۵ قانون مجازات ۱۳۹۲ مقرر می دارد: «هر گاه قرار دادن کالا در خارج مغازه یا توقف اتومبیل در مقابل منزل و امثال آن عرف و عادت شده باشد، گذارنده کالا یا متوقف کننده اتومبیل در صورت عدم منع قانونی و عریض بودن معبر و عدم ایجاد مزاحمت برای عابران ضامن زیان های وارده نیست».

این ماده به روشنی با تبصره ۲ ماده ۵۰۸ از جهت مفهوم عدوان مغایر است.

۴. در ماده ۵۰۹ قانون مجازات ۱۳۹۲ آمده است: «هر گاه کسی در معابر یا اماکن عمومی با رعایت مقررات قانونی و نکات ایمنی عملی به مصلحت عابران انجام دهد و اتفاقاً موجب وقوع جنایت یا خسارت گردد، ضامن نیست».

۵. نیز ر. ک: قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲: مواد ۵۱۱، ۵۱۷، ۵۲۴، ۵۳۶ و ...

از مصادیق عدوان قلمداد کرده است، در حالی که انجام عملی که استعداد سببیت در ایجاد صدمه یا خسارت دارد در ثبوت عدوان کافی است. این استعداد نسبی بوده و ممکن است جان یا مال فرد یا افراد خاصی را در معرض تلف قرار داده و نسبت به دیگران فاقد چنین ظرفیتی باشد و از این رو فعل ممکن است درباره فردی عدوانی و همان فعل در برابر دیگری غیر عدوانی قلمداد شود.

استعداد چنین سببیتی در اقدام مرتکب ممکن است ویژگی فعلی باشد که فی نفسه مجاز و قانونی بوده یا اساساً غیر مجاز و از طرف قانون منع شده باشد. به عبارت دیگر جواز یا عدم جواز فعل در تحقق عدوان فاقد اثر است چرا که نسبت منطقی بین این دو (عدوان و عدم جواز) عموم و خصوص من وجه است به نحوی که ممکن است عمل ارتكابی هرچند غیر مجاز اما غیر عدوانی باشد (مانند حفر چاه در ملک خود بدون اخذ پروانه یا در ملک دیگری با رعایت تمام جوانب احتیاط با نصب حفاظ و علائم هشداردهنده کافی)^۱ یا آنکه عمل، مجاز و در همین حال عدوانی باشد (مانند حفر چاه با اخذ مجوزهای لازم و بدون نصب علائم حفاظتی و تأمینی) و یا به صورت غیر مجاز و عدوانی یا مجاز و غیر عدوانی انجام پذیرد.

بنابراین عدم جواز اعم از عدوان است زیرا چنان که گذشت ممکن است عمل غیر قانونی، مال یا جان دیگری را در معرض صدمه یا خسارت قرار نداده و عدوانی محسوب نشود.

بنابراین آنچه در صدر مواد ۵۳۵ و ۵۳۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ آمده و عدوان را در مفهوم غیر مجاز تصور کرده است ضمن آنکه به ابهام در مفهوم عدوان دامن زده است با موازین شرعی و فقهی نیز در مغایرت است.

نتیجه گیری

قانون گذاری بدون مطالعات عمیق پیشینی و تبیین دقیق مبانی فلسفی و اعتقادی، و نیز عدم تدوین اصول و جهت گیری های کلی و هماهنگ در یک بافت منسجم و

۱. مانند آنچه در تبصره ۲ ماده ۵۰۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ آمده است.

نظام‌مند، جز پریشانی در منطق، آشفتگی در تقنین و اختلال در احقاق حقوق مردم ثمری نخواهد داشت. کاستی‌های علمی موجود در تدوین قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به وضوح قانون‌گذار را در موارد متعدد با بحران مبانی مواجه کرده است.^۱ موضوع رابطه استناد در اجتماع طولی اسباب نیز از این قبیل است.

بی‌توجهی به جایگاه و طبیعت موضوع، ابهام در واقعی و عینی بودن این رابطه و نیز غفلت از مطالعات وسیعی که در تألیفات فقهی در این باره انجام شده است، به اتخاذ مبانی متغییری منجر شده است که نتیجه‌ای جز تزلزل مهم‌ترین ضوابط قطع و فصل دعاوی نخواهد داشت.

عدم تکیه بر مبنایی واحد، مستدل و مستحکم، موجب شده است قانون‌گذار برای تشخیص عامل ضامن از میان اسباب متعدد، در یک رویکرد بدعت‌آمیز به موازین متنوعی متوسل شود که بعضاً با مواد دیگر قانون معارض است؛ قانون‌گذار، گاه ضامن سبب را مبتنی بر نقش مادی آن در حدوث نتیجه مورد توجه قرار داده، سبب مقدم در تأثیر را مسئول شمرده است و در مواردی صرف‌نظر از موقعیت عینی و واقعی اسباب، رابطه استناد را پیوندی ذهنی و غیر مادی تصور کرده و با تکیه بر عمد و قصد عوامل، همه اسباب عامد را به تساوی، ضامن و شریک در زیان به شمار آورده است، بی‌آنکه تمایزی بین اسباب دور و نزدیک قائل شود یا ممیزات شرکت از معاونت را در این امر لحاظ کند، گاه نیز مبانی متغییر مذکور را رها کرده، طی یک ضابطه خودساخته و بی‌سابقه، مبتنی بر زمان حدوث سبب و نیز عمد و قصد وی، سبب مؤخر در حدوث را ضامن شناخته است.

سزاوار آن است که قانون‌گذار ضوابط سست و بی‌بنیاد مذکور در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ درباره رابطه استناد را کنار نهد و با بهره‌مندی از مطالعات عمیقی که به ویژه در منابع فقهی انجام شده است با اتخاذ مبنایی واحد، موازین منطقی منطبق با شرع و هماهنگ با سایر نهادهای حقوقی را مقرر داشته، مانع به هم‌ریختگی امر قضا و تضييع حقوق مردم گردد.

۱. مانند آنچه درباره ضامن پزشک، اجتماع سبب و مباشر، مجازات‌های بازدارنده، دامنه اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها و... در لایحه به چشم می‌خورد.

کتاب‌شناسی

۱. ابن انس، مالک، الموطأ، ابوظبی، مؤسسة زاید بن سلطان، ۱۴۲۵ ق.
۲. ابن رشد قرطبی، محمد بن احمد، بداية المجتهد ونهاية المقتصد، قاهره، دار الحديث، ۱۴۲۵ ق.
۳. ابن عبدالسلام، عبدالعزيز، قواعد الاحکام فی مصالح الانام، قاهره، مكتبة كليات الازهریه، ۱۴۱۴ ق.
۴. ابن قدامه، عبدالله بن احمد، الشرح الكبير، بيروت، دار الكتاب العربي، بی تا.
۵. همو، المغنی، مكتبة القاهرة، ۱۳۸۸ ق.
۶. برکتی، القواعد الفقهیه، بی تا، ۱۴۰۷ ق.
۷. حسنی، محمود نجیب، رابطة سببیت در حقوق کیفری، ترجمه سیدعلی عباس نیای زارع، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۵ ش.
۸. حلی (محقق)، جعفر بن حسن، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، چاپ دوم، قم، اسماعیلیان، ۱۴۰۸ ق.
۹. خویی، سیدابوالقاسم، مبانى تکملة المنهاج، نجف اشرف، بی تا.
۱۰. دسوقی، محمد بن احمد، حاشية الدسوقی علی الشرح الكبير، بيروت، دار الفكر، بی تا.
۱۱. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش.
۱۲. رشتی، میرزاجیب الله، التعلیقة علی مکاسب و البیع للشیخ الانصاری، بی جا، مطبعة خاصة خاندان آقاسیدمرتضی طهرانی، بی تا.
۱۳. سرخسی، شمس الدین، المبسوط، بيروت، دار المعرفة، ۱۴۱۴ ق.
۱۴. صادقی، محمدهادی، جرایم علیه اشخاص، چاپ سوم، تهران، میزان، ۱۳۷۹ ش.
۱۵. قرافی، شهاب الدین احمد بن ادريس، الذخیره، بيروت، دار الغرب الاسلامی، ۱۹۹۴ م.
۱۶. مدنی کاشانی، آقارضا، کتاب الدیات، قم، بی تا.
۱۷. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرایع الاسلام، چاپ ششم، تهران، المكتبة الاسلامیه، ۱۴۰۴ ق.